



۲۰۲۰/۳/۸

کاندید اکادمیسین سیستانی

## به نفع زنان چی باید کرد؟

(بمناسبت هشتم مارچ)

**هشتم مارچ ، روز جهانی زن را به تمام زنان جهان و بخصوص زنان افغانستان تبریک میگویم**

هیچ آدم سالم و عاقلی نمیتواند نقش زن را در جامعه نادیده بگیرد و نقش او را کمتر از نقش خود تصور نماید. آدم نباید آنقدر بی شعور و جاهل شود که مادر و همسر و خواهر خود را در شمار حیوانات تنزل دهد و مورد خشونت و بدرفتاری قرار دهد.

متأسفانه زنان کشور که نیمی از پیکر جامعه را میسازند، در طول تاریخ و در تمام مدت هجوم های استعماری به این کشور متحمل درد و رنج بیکران شده اند. من نمیتوانم موارد این درد و رنجها را در اینجا برشمارم ولی میتوانم بگویم که دوران تجاوز روسیه شوروی و سپس دروان جنگهای تنظیمی و سپس طالبانی، وپسا طالبانی دورانهای اند که یاد آوردن هر یک از این دورانها موبر اندام آدمی راست میکند.

چرا در کشورهای پیشرفته جهان، زن به عنوان همسر و مکمل زندگی مرد در تشکیل خانواده و اعمار یک جامعه مرفه به دیده قدرنگریسته میشود، مگر در جوامع اسلامی حقوق و حیثیت زن پائین تر از مرد قرار دارد؟

مواد اول، دوم و هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر حکم میکند که: تمام افراد بشر با شأن و حقوق برابر به دنیا می آیند، هرکس بدون هیچگونه تبعیضی به ویژه از حیث جنس از تمام حقوق و آزادیها برخوردار است. همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون هیچ گونه تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. حال آنکه در کشورهای اسلامی زنان با شأن و حقوق برابر با مردان به شمار نمی آیند و در بسیاری از احکام شرعی زنان با تبعیض حقوقی مواجه اند.

بدبختانه، در کشورهای اسلامی و از جمله در افغانستان، تبعیض جنسیتی در تناقض با اعلامیه جهانی حقوق بشر است. سنگ بزرگ در پیش پای حقوق زنان، روحانیت متعصب مسلمان است که هرگامی که برای بهبود وضعیت حقوقی زنان برداشته شود، بامخالفت و لجاجت روحانیون روبرو میگردد.

به سخن دیگر، وقتی پای منع تعدد زوجات و یا نکاح صغیر با مردان مسن به میان بیاید و شما بخواهید این مسئله را بر مبنای دیدگاه معاصر و با پیروی از منشور جهانی حقوق بشر منع قرار بدهید، فوراً روحانیت مسلمان آنرا مغایر با احکام شریعت و انمود کرده، شما را به کفر متهم میکند و مانع تعمیم نیت تجدد طلبانه شما به نفع زنان کشور میشود. بخصوص در سال های اخیر که اسلام سیاسی در کشورهای منطقه بطور چشم گیری رشد یافته و بنیادگرائی طرفداران زیادی پیدا نموده و حتی صاحب نظران سیکولار را مورد تهدید قرار میدهند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دلېکنې دلېکنېزې بڼې پاډوالې دلېکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

مصیبت دیگری که باز هم بلای جان زنان شده و میشود، اینست که روحانیت مسلمان، بیش از گذشته در دستگاه دولت نفوذ کرده و دولت را مجبور ساخته تا به هریک از منسوبین این قشر مفتخوار، معاش و حقوق دو برابر یک مامور تحصیل کرده بپردازد، بدون آنکه از آنها توقع کاری به نفع جامعه داشته باشد. در گذشته، مثلاً در دوران سلطنت ظاهرشاه و جمهوریت داودخان، ملا و مولوی در روستا، از طریق گرفتن عشر و زکوة و پول اقساط مرده ها ارتزاق میکرد، و دولت به آنها کدام معاشی نمی پرداخت، بنابراین ملا و مولوی از ملک و ارباب ده و حکام دولت حرف شنوی داشت، ولی بعد از سقوط جمهوریت داودخان، ملایان و خطیبان و مولویها مورد توجه دولت قرار گرفتند و از طریق تشکیلاتی بنام وزارت حج و اوقاف و شورای علمای افغانستان، تقریباً همه معاش بگیر دولت شدند و دیگر به ارباب و ملک ده چندان واز و بند نیستند.

یک کارمند دولت که ۱۲ یا ۱۶ سال و یا بیشتر از آن بطور منظم پشت میز درس نشسته و بعد از گرفتن شهادتنامه به کاری گماشته شده، مجبور است وظایفش را بخوبی و به موقع انجام دهد و اگر بدرستی انجام ندهد نمیتواند برای ترفیع خود از سوی آمرین مافوق سجل درست بگیرد، بنابراین مجبور است تا به امر خود اطاعت داشته، تسلیم پذیر باشد، ولی ملا که نه بدرستی درس خوانده، و نه سجل ترفیع دارد و نه دولت بردوش او کاری گذاشته است، خود را نزد هیچ کسی مسئول نمی داند، و معاشی که از خزانه دولت بنامش حواله میشود، آنرا حق الزحمه در عوض نمازی میداند که بدون آنهم مکلف به ادای آن میباشد، اما اکنون که از دولت معاش میگیرد، باز و بند سیاست دولت نیست، و حتی میتواند دولت را در اجرای برخی از سیاستها به مخالفت دساتیردینی متهم کند. از اینست که در افغانستان، دولت های که بعد از سقوط داودخان رویکار آمدند با طبقه روحانی بسیار با احتیاط رفتار کرده و هر فیصله و پیشنهادی که آنها بکنند، دولت با سر و چشم قبول میکند.

در اوایل مارچ ۲۰۱۴ شورای علمای افغانستان باریاست ربانی، تحصیل زنان را در صنوف درس مردان در پوهنتونها و کار زنان را در فاطر در پهلوی مردان حتی در پارلمان ممنوع اعلام کردند و کرسی به این پیشنهاد آنها کف زد. شورای علمای جهادی از طالبان هیچ فرقی ندارند، هر دو دشمن تعلیم و تحصیلات عالی بشیوه مدرن و عصری زنان اند.

در نظام طالبانی که تاجر و تبعیض جزئی از طرز تفکر شان است، نمیتوان توقع کاربرگی به نفع زنان را داشت. چون برداشتن هرگامی در جهت سهمگیری زنان در اجتماع، با مخالفت آنان روبرو میشود و زنان با سنگسار تهدید خواهند شد. اما در یک نظام مدنی و جمهوری میتوان در مورد بدست آوردن حقوق زنان سخن زد و کاری به نفع آنان انجام داد. مثلاً میتوان گفت که در سالهای پسا طالبانی تلاش زنان از طریق سازمانهای مدافع حقوق زنان، منجر به انعطاف قدرت سیاسی در برابر مطالبات شان گردید. در طی هژده سال اخیر در هرم قدرت افغانستان چند نفر زن در کابینه راه یافت. همچنان از ۲۴۹ کرسی پارلمان ۶۷ کرسی به زنان تعلق گرفت و در بین ۱۰۲ سناتور، ۲۷ نفرشان زن بودند. تخمین زده می شود که ۳۰ درصد کارمندان دولت را زنان تشکیل داده باشند.

آمار کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان نشان می دهد حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از کسانی که در انتخابات ثبت نام کرده بودند، زنان بودند. تاثیر آراء زنان برای هر یک از نامزدان ریاست جمهوری سرنوشت

ساز بود، اما آنچه روشن نیست این است که این آرای اکثریت خاموش چه تاثیری برسرنوشت خود آن‌ها خواهد داشت؟

زنان برای دفاع از حقوق خودمی باید متشکل گردند و با ایجاد سازمانها و تشکلهای مختلفه بحیث منبع اصلی اقتدارخویش بر دولت فشار وارد نمایند تا از طریق تطبیق قانون درکاهش خشونت علیه زنان نقش موثرتری بازی نمایند.

تعمیم سواد و تحصیل دررشد آگاهی زنان و مردان بسیار موثر است و میتواند در آینده ثمره یک چنین برنامه های ملی را دید و لمس کرد. بدون تعمیم تعلیم و تحصیل زنان، زنان به هیچ خواسته بجا و معقول خود رسیده نمیتوانند.

درشهرها، که بیشتر زنان از تعلیم و تحصیل در مراکز آموزشی متوسط و عالی برخوردار هستند، معلومات اکثریت آنان از سطح عالی تر آگاهی برخوردار اند. به عبارت دیگر فیصدی زنان باسواد و آگاه در شهرها بسیار بیشتر از زنان باسواد در روستاهای کشوراند، بنابراین اینها میتواند با استفاده از مزایای قانون اساسی و قانون مطبوعات و آزادی بیان و آزادی تجمعات مسالمت آمیز، بردولت فشار وارد کنند تا سهم مشارک زنان را در امور خدمات عامه، مثل، تعلیم و تربیت، مطبوعات، تحصیلات عالی، رسانه های جمعی، قضا و عدلیه، سارنوالی، پارلمان، صحت عامه، پولیس، اردو، طبابت، نرس قابلگی، شهرداری و تجارت و موسسات تولیدی ارتقا ببخشند.

دولت مکلف است تا از حقوق زنان به عنوان نیمی از بیکر اجتماع، برای رشد و ترقی کشور حمایت و پشتیبانی نماید. واضح است که بدون حمایت دولت، زنان نمیتوانند به خواسته های مشروع و قانونی و مدنی خود برسند. بسیاری از حقوق مدنی زنان در قانون اساسی و سایر لوایح کشور تسجیل و تثبیت شده است، فقط یک حکومت ملی با اراده و قاطع بکاراست تا از حقوقی که در قانون اساسی افغانستان و سایر قوانین متممه برای زنان در نظر گرفته شده، حمایت کند که در واقع حمایت از قانون پنداشته میشود.

زنان باید همواره در هنگام انتخابات برای تعیین رئیس جمهوری مملکت، درصدد انتخاب کاندیدی باشند، که به زن و حقوق زن و منشور جهانی حقوق بشر باور داشته باشد، به او رأی بدهند تا در آینده از وی توقع انجام کارهای مفید به نفع حقوق زنان داشته باشند.

تلاش صورت بگیرد تا زنان در اتحادیه ها و انجمن های فرهنگی، سیاسی، حقوقی و صنفی و حتی انجمن حمایت از مادران، یا انجمن دکتوران زن، انجمن نرس قابله ها و انجمن دفاع از قانون منع خشونت علیه زنان، و غیره متشکل شوند، زیرا این تشکل ها میتواند به همبستگی زنان در سراسر کشور بیانجامد و از این طریق در مواقع لزوم دست به اعتراضات مدنی به نفع حقوق زنان بزنند و دولت را متوجه خواسته ها و نیازهای حقوقی زنان بنماید. علاوه بر فراهم سازی زمینه های آموزش و پرورش زنان از دولت خواسته شود که دختران بی سرپرست، زنان مطلقه، بیوه و سالخورده، از بیمه های صحی و تداوای بهره مند شوند. و از حق مالکیت بر حقوق شخصی و دسترسی آسان به مهر، میراث و نفقه برخوردار گردند.

## پایان

د پانیو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ